

## تأثیر مالکیت دولتی بر رابطه میان هزینه‌های نمایندگی و برنامه‌ریزی مالیاتی شرکتها

فرزین رضایی<sup>۱</sup> و مدینه قرا محمدی<sup>۲</sup>

۱دانشیار، گروه حسابداری، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران.

Farzin.rezaei@qiau.ac.ir

۲کارشناسی ارشد حسابداری، موسسه آموزش عالی تاکستان، تاکستان، ایران (نویسنده مسئول)

### چکیده

بی‌گمان اهمیت و تأثیر مالیات در حیات و چرخه اقتصادی کشور بر کسی پوشیده نیست و همه اقتصاد دانان دنیا بر این باورند که درآمدهای مالیاتی از مطمئن‌ترین درآمدهای دولت است. اما کشور ما از آن دسته کشورهایی نیست که ساختار اقتصادی آن بر محور درآمدهای مالیاتی استوار باشد، چرا که تاکنون درآمدهای نفتی تعیین کننده سرنوشت اقتصاد کشور بوده است. اما اخیراً توجه ویژه‌ای به اهمیت مالیات و درآمدهای مالیاتی و اجتناب مالیاتی شده است. از این رو در مطالعه حاضر، به بررسی تأثیر مالکیت دولتی بر رابطه میان هزینه‌های نمایندگی و برنامه‌ریزی مالیاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته شده است. یافته‌های تحلیلی، ضمن استفاده از رگرسیون خطی چندگانه با استفاده از داده‌های تابلویی و روش اثرات ثابت، حاکی از این امر بود که بین هزینه‌های نمایندگی و اجتناب مالیاتی نقدی، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد، بین هزینه‌های نمایندگی و اجتناب مالیاتی تعهدی، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد، مالکیت دولتی بر رابطه هزینه‌های نمایندگی با اجتناب مالیاتی تأثیر معناداری نداشته و مالکیت دولتی، تعدیل کننده رابطه بین هزینه‌های نمایندگی و اجتناب مالیاتی نقدی نیست.

واژه‌های کلیدی: مالکیت دولتی، هزینه‌های نمایندگی، برنامه‌ریزی مالیاتی

## ۱. مقدمه

یکی از منابع مهم درآمدی دولت‌ها، مالیات است که علاوه بر اینکه بخش عمده‌ای از هزینه‌ها را تامین می‌کند، بعنوان ابزار مناسب مالی برای کنترل اقتصاد نیز بکار گرفته می‌شود. هنگامی که در سطح جامعه با رشد نقدینگی مواجه می‌شویم دولت می‌تواند با افزایش نرخ‌های مالیاتی موجبات کاهش نقدینگی و تورم را فراهم آورد و اگر رکود و کم‌حرکی و عدم رونق اقتصادی را در اقتصاد شاهد باشیم، مسئولان می‌توانند با کاهش نرخ‌های مالیاتی شکوفایی اقتصاد را به جامعه برگردانند. بدین ترتیب مالیات می‌تواند یکی از ابزارهای مهم مالی و به عنوان سوپاپ اطمینان اقتصادی کارکردهای مطلوبی برای جامعه به همراه داشته باشد. همچنین مالیات نقش مهمی در توزیع عادلانه درآمد و توزیع مجدد ثروت دارد. دولت‌ها با اخذ مالیات از ثروتمندان و توزیع آنان در قالب کمک‌های بلاعوض و اعانات و پرداخت یارانه به افراد کم درآمد جامعه در برقراری عدالت اجتماعی نیز نقش موثری ایفا نمایند. مالیات، قسمتی از درآمد یا دارایی افراد است که به منظور پرداخت مخارج عمومی و حفظ منافع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور به موجب قوانین به وسیله دستگاه‌های اداری و اجرایی دولت وصول شود. مالیات‌ها از جمله اهرم‌های موثر سیاست‌های مالی دولت برای انجام وظایف خود هستند. ادبیات اقتصادی مالیات نیز مشابه دیگر شاخه‌های اقتصادی به مرور زمان دچار تحولات عمده‌ای شده است. هم‌اکنون در بسیاری از دولت‌ها، مردم بر اساس تحلیل سیاست‌های مالیاتی پیشنهاد شده رأی می‌دهند. مقوله مالیات‌ها از نظر اجتماعی نیز تحولات گسترده‌ای پیدا کرده است. از آنجا که سیستم مالیاتی بهترین راه شفافیت درآمدی است، آمار و تصویر ایجاد شده در یک نظام مالیاتی کارآمد و عادلانه می‌تواند خود یک کنترل کننده نرم‌افزاری و علمی جهت ارتقای سطح کارآمدی اقتصاد شود و همواره اطلاعات مورد نیاز را جهت برنامه ریزی عمومی و کسب حقوق برابر در جهت رسیدن به فرصت‌های برابر نهادینه کند (خواجه‌وی و سروستانی، ۱۳۹۶). در اکثر کشورها، بخش عمده‌ای از منابع درآمدی دولت از طریق مالیات تأمین می‌شود. سهم از کل درآمدهای عمومی در میان کشورها متفاوت است. در این میان، اجتناب و فرار مالیاتی در کشورها باعث شده است تا درآمدهای مالیاتی کشورها همواره از آنچه که برآورد شده است کمتر باشد. بنابراین، از جمله موضوعات بسیار مهم که در حال حاضر در اکثر پژوهش‌ها مورد توجه است، بحث اجتناب و فرار مالیاتی و عوامل موثر بر آن و نتایجی است که از آن حاصل می‌شود. از دیدگاه نظری، منظور از اجتناب مالیاتی، تلاش در جهت کاهش مالیات‌های پرداختی است. فرار مالیاتی نوعی تخلف قانونی، اما اجتناب از مالیات، در واقع نوعی استفاده از خلاءهای قانونی در قوانین مالیاتی در جهت کاهش مالیات است. بنابراین، از آنجایی که اجتناب مالیاتی، فعالیتی به ظاهر قانونی است به نظر می‌رسد که بیشتر از فرار مالیاتی در معرض دید باشد و چون اجتناب مالیاتی در محدوده‌ای معین جهت استفاده از مزایای مالیاتی است و به طور عمده قوانین محدودکننده‌ای در زمینه کنترل اجتناب مالیاتی وجود ندارد. بنابراین، به نظر می‌رسد بسیاری از شرکت‌ها درگیر اجتناب مالیاتی باشند و به همین دلیل تعیین عوامل تاثیرگذار بر سطح اجتناب مالیاتی در شرکت‌ها دارای اهمیت زیادی است (آمسترانگ و همکاران، ۲۰۱۵).

## بیان مساله

یک انتصاب دولتی ممکن است بیشتر از آنکه برای عملکرد شرکت مفید باشد برای آن مضر باشد. در مقابل اتصال سیاسی، شرکت‌ها را قادر می‌سازد تا مقررات مطلوب را حفظ کنند سهامداران کنترل کننده و مدیران شرکت‌های دولتی در مقایسه با شرکت‌های خصوصی، انگیزه زیادی برای دنبال کردن منافع شخصی خود دارند و در نتیجه، مدیران بخش دولتی برای جبران این هزینه‌ها، به دریافت منابع مالی از دولت اقدام می‌کنند. در رابطه با هزینه‌های نمایندگی و اجتناب مالیاتی تحقیقات زیادی صورت گرفته اما، مطالعه جامعی در مورد تاثیر هزینه‌های نمایندگی بر رابطه بین اجتناب مالیاتی و مالکیت دولتی انجام نشده است. بدین علت موضوع بررسی تاثیر هزینه‌های نمایندگی بر رابطه بین مالکیت دولتی و اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق

بهادار تهران انتخاب گردید تا از طریق بررسی تجربی و اتخاذ آزمون‌های علمی بر روی اطلاعات وقوع یافته طی سال‌های متمادی در بورس اوراق بهادار تهران راهکارهای مفیدی برای دانشگاہیان و کارشناسان از منظر اطلاعاتی فراهم گردد. بنابراین از دیدگاه علمی، پژوهش حاضر دارای مفاهیم بسیاری برای پژوهش‌های در حال انجام در هزینه‌های نمایندگی است. در دیدگاه تئوری نمایندگی که بخش عظیمی از تحقیقات را در حوزه‌های حسابداری و مدیریت مالی به خود اختصاص می‌دهد، فرض بر آن است که مدیران بر اساس منافع شخصی خود عمل می‌نمایند و منافع سهامداران در اولویت امور قرار نمی‌گیرد. در تئوری نمایندگی مشکل تضاد منافع با کارگزار دغدغه‌ای همیشگی برای کارگزار است. بر این اساس همواره کارگزار به دنبال راهی برای حل این مشکل بوده تا به نحوی کارگزار را به اقدام در جهت هدف اصلی هر شرکت، یعنی حداکثرسازی منافع کارگزاران آن، تحریک نماید. بنابراین کارگزار باید مخارجی را متحمل گردد تا بتواند منافع کارگزار را با خود هم سو نماید یا حداقل از اقدامات وی در جهت منافع خودش کسب اطمینان نماید. از آنجا که چنین مخارجی به واسطه انعقاد قرارداد میان کارگزار و کارگزار و شکل‌گیری رابطه نمایندگی پدید می‌آید؛ هزینه‌های نمایندگی نامیده می‌شود. تئوری نمایندگی (کارگزاری) مربوط به موردی است که یک نفر مسؤلیت تصمیم‌گیری در خصوص توزیع منابع مالی و اقتصادی و یا انجام خدمتی را طی قرارداد مشخصی به شخص دیگری واگذار می‌نماید. شخص اول را در اصطلاح، صاحبکار (مالک) و شخص دوم را اصطلاحاً نماینده (کارگزار) می‌نامند. تئوری نمایندگی عمدتاً به تضاد منافع موجود بین مدیریت و مالکیت اشاره دارد. با بزرگتر شدن شرکتها، مالکان اداره شرکت را به مدیران تفویض کرده‌اند. جدایی مالکیت از مدیریت، منجر به مشکلات نمایندگی می‌شود. طبق تئوری نمایندگی، اولین مشکل مربوط به نمایندگی وجود تضاد منافع بین سهامدار و مدیر است. تحقیقات اثباتی حسابداری، سعی دارد تا ارتباطات رفتاری را در حسابداری بیان کند (خواجه‌وی و سروستانی، ۱۳۹۶). تحقیقات مزبور، تحقیقاتی تجربی و مشاهده‌ای هستند که کوشش می‌کنند تا پاسخی برای این سوال بیابند که چرا هیات‌های تدوین استاندارد، روش خاصی را انتخاب می‌کنند، یا چرا مدیریت شرکت‌ها روش معینی را از میان روش‌های پذیرفته شده حسابداری بر می‌گزینند. فرضیه بازار کارآمد، نمی‌تواند پاسخی برای پرسش‌هایی نظیر پرسش‌های مذکور داشته باشد. زیرا بازار تنها می‌تواند اثر افشای اطلاعات حسابداری بر قیمت سهام را نشان دهد و نمی‌تواند توضیح دهد که چرا مدیران شرکت‌ها از میان روش‌های مختلف حسابداری، تنها روش مورد نظر را انتخاب می‌نمایند. توجیه رفتار مدیران تنها از عهده تئوری اثباتی حسابداری بر می‌آید. دو دسته از تئوری‌هایی که در زمره تحقیقات اثباتی حسابداری، قرار می‌گیرند، یکی تئوری قرارداد و دیگری تئوری نمایندگی می‌باشد. پژوهش حاضر از منظر نظریه نمایندگی، تاثیر هزینه‌های نمایندگی را بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها مورد ارزیابی قرار می‌دهد. از آنجایی که اجتناب مالیاتی به شکلی جسورانه در زمره فعالیت‌های خطرناک قرار دارد و می‌تواند موجبات متضرر شدن سهامداران را فراهم نماید، شرکت‌های ریسک‌گریز چنین فعالیت‌هایی را دنبال نمی‌کنند. با این وجود در شرکت‌هایی که هزینه‌های نمایندگی بالایی وجود دارد، پیش‌بینی می‌شود درجه ریسک‌پذیری بالایی نیز وجود داشته باشد و رویکردی جسورانه را در قبال مالیات اتخاذ کنند. بنابراین ممکن است میزان هزینه‌های نمایندگی موجود در شرکت‌ها بر اجتناب مالیاتی آنان موثر باشد (برادشو و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۱۹). بر این اساس سوالات پژوهش حاضر بصورت زیر تبیین می‌گردد:

سؤال اول: آیا رابطه هزینه‌های نمایندگی با اجتناب مالیاتی رابطه مثبت و معنادار است؟

۱-۱: آیا بین هزینه‌های نمایندگی و اجتناب مالیاتی نقدی، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؟

۱-۲: آیا بین هزینه‌های نمایندگی و اجتناب مالیاتی تعهدی، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؟

سؤال دوم: آیا مالکیت دولتی بر رابطه هزینه‌های نمایندگی با اجتناب مالیاتی تاثیر معناداری دارد؟

<sup>۱</sup> Bradshaw et al

- ۱-۲: آیا مالکیت دولتی، تعدیل کننده رابطه بین هزینه‌های نمایندگی و اجتناب مالیاتی نقدی است؟  
 ۲-۲: آیا مالکیت دولتی، تعدیل کننده رابطه بین هزینه‌های نمایندگی و اجتناب مالیاتی تعهدی است؟

### اهداف پژوهش

- بررسی رابطه بین هزینه‌های نمایندگی و اجتناب مالیاتی نقدی.
- بررسی رابطه بین هزینه‌های نمایندگی و اجتناب مالیاتی تعهدی.
- بررسی نقش مالکیت دولتی در تعدیل رابطه بین هزینه‌های نمایندگی و اجتناب مالیاتی نقدی.
- بررسی نقش مالکیت دولتی در تعدیل رابطه بین هزینه‌های نمایندگی و اجتناب مالیاتی تعهدی.

### پیشینه پژوهش

#### مطالعات داخلی

معنوی (۱۳۹۹) به بررسی تاثیر هزینه نمایندگی بر رابطه بین مالکیت دولتی و اجتناب مالیاتی پرداخت. وی دریافت محدود شدن وابستگی دولتی باعث افزایش انعطاف پذیری شرکت شده و در نتیجه سیاست‌های حاکمیت شرکتی مؤثرتر اجرا خواهد شد. برخی انتصاب‌های سیاسی اهداف متضادی را دنبال می‌کنند، ممکن است هدف یک انتصاب افزایش اشتغال و یا کاهش هزینه‌های اجتماعی باشد.

حاجیان‌نژاد و دانش سرارودی (۱۳۹۸) به بررسی تأثیر هزینه نمایندگی و نقدشوندگی بر اجتناب مالیاتی از طریق سودآوری پرداختند. در این مسیر، سه فرضیه بر مبنای تأثیرگذاری همزمان متغیرها بر اجتناب مالیاتی تدوین و داده‌ها با مراجعه به بانک‌های اطلاعاتی و همچنین واکاوی اسناد و مدارک جمع‌آوری گردید و تحلیل داده‌ها با استفاده از سیستم معادلات همزمان دو مرحله‌ای و با کمک نرم افزار ایویوز انجام گرفت. نشان داد سودآوری، قابلیت تبیین هر یک از متغیرهای نقدشوندگی و هزینه نمایندگی را به عنوان متغیر درون‌زا دارد و با توجه به نتایج معادلات همزمان، نقدشوندگی بر اجتناب مالیاتی، تأثیر منفی و هزینه نمایندگی بر اجتناب مالیاتی، تأثیر مثبت داشته است.

جلالی کندلوسی (۱۳۹۷) به بررسی ارتباط بین ترکیب سهامداران و هزینه نمایندگی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخت. برای آزمون فرضیه تحقیق نیز از اطلاعات مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در فاصله زمانی سالهای ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ استفاده شده است، به طوری که پس از اعمال محدودیت‌های موردنظر در این تحقیق، نمونه نهایی متشکل از ۹۲ شرکت انتخاب گردید. پس از اندازه‌گیری متغیرهای تحقیق، از تجزیه و تحلیل رگرسیون خطی چندگانه برای آزمون فرضیه‌های تحقیق استفاده گردید. آزمون‌ها نیز با استفاده از نرم‌افزار اقتصادسنجی Eviews مبتنی بر تکنیک داده‌های تلفیقی صورت پذیرفته است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها نشان داد که بین مالکیت نهادی و مالکیت مدیریتی با هزینه نمایندگی رابطه منفی معناداری وجود دارد. این در حالی است که هیچ شواهدی مبنی بر وجود رابطه معنادار بین مالکیت شرکتی و هزینه نمایندگی شرکت‌ها یافت نشد.

خواجه‌وی و سروستانی (۱۳۹۶) به بررسی اجتناب مالیاتی و نظریه نمایندگی: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. در راستای آزمون تجربی این موضوع، از ۱۳۸ شرکت در بازه زمانی ۱۳۸۵ الی ۱۳۹۳ استفاده شده است. نتایج به دست آمده از تاثیرگذاری مثبت هزینه‌های نمایندگی بر اجتناب مالیاتی پشتیبانی می‌کند.

شعبان‌نژاد (۱۳۹۶) به بررسی تاثیر جریان نقدی آزاد، تمرکز سهامداران و هزینه نمایندگی بر سودآوری شرکت‌های بیمه‌ای پرداخت. یافته‌ها بیان داشت سهامداران معمولاً در شرکت‌های مختلفی سرمایه‌گذاری می‌کنند تا ریسک را از طریق تنوع بخشیدن کاهش دهند. بعلاوه سهامداران پراکنده توانایی اینکه مدیریت را به طور اثر بخش کنترل کنند، ندارند چرا که اطلاعات کافی و تخصص لازم را به منظور اتخاذ تصمیمات صحیح دارا نیست. در مقابل، مالکیت متمرکز به صورت قابل توجهی در سهامداران عمده ایجاد انگیزه می‌کند و به موازات

افزایش سهم آنها در شرکت، انگیزه‌های آنها نیز برای بهبود عملیات شرکت و کنترل مدیریت، بیشتر می‌شود. منافع کاملاً آشکاری از مالکیت متمرکز وجود دارد ولی بحث‌هایی در جهت خلاف آن نیز صادق است. اول اینکه سهامداران عمده به طور معمول ریسک‌گریز هستند. مالکیت پراکنده، قابلیت نقد شوندگی بهتر سهام را موجب می‌شود و ایجاد تنوع به منظور ریسک‌پذیری کمتر را برای سرمایه‌گذاران فراهم می‌کند. دوم اینکه وقتی کنترل بیش از حد توسط مالکیت متمرکز صورت می‌گیرد، دینفعان داخلی (مدیران و کارکنان) را از سرمایه‌گذاری‌های پرهزینه دلسرد می‌کند. سوم اینکه مالکیت متمرکز ممکن است سبب بروز مشکل نمایندگی به نحوی دیگر شود و آن اینکه تعارض و اختلاف بین سهامداران عمده و سهامداران جزء پدید آید.

آریان مهر (۱۳۹۵) به بررسی تأثیر مالکیت نهادی بر سود تقسیمی بر پایه یک تحلیل از تئوری نمایندگی پرداخت. در این پژوهش برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از رگرسیون خطی چندگانه استفاده شده است. یافته‌های این پژوهش نشان داد که برخلاف پیش‌بینی ما، بین درصد مالکیت ده سهامدار بزرگ نهادی و سود تقسیمی رابطه منفی معنادار وجود دارد. نتایج این پژوهش نشان داد که در شرکت‌های با فرصت‌های سرمایه‌گذاری (رشد) کم، بین ده سهامدار بزرگ نهادی و سود تقسیمی رابطه مثبت معنادار وجود دارد. همچنین در شرکت‌های با مدیریت سود بالا، بین ده سهامدار بزرگ نهادی و سود تقسیمی رابطه مثبت معنادار وجود دارد. یافته‌های این پژوهش رابطه معناداری بین ده سهامدار بزرگ نهادی و سود تقسیمی در شرکت‌های با جریان نقد مثبت نشان نمی‌دهد.

علوی فردانیه (۱۳۹۴) به بررسی تأثیر مالکیت نهادی و هزینه نمایندگی بر سیاست تقسیم سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. در این مسیر، تعداد ۱۴۸ شرکت غیرمالی در بازار سهام تهران برای دوره‌ای از سال ۱۳۸۸ الی ۱۳۹۲ به عنوان نمونه در نظر گرفته شد. مدل رگرسیون OLS برای شناسایی تأثیر مالکیت نهادی و هزینه نمایندگی بر سیاست تقسیم سود در بازار سهام تهران به کار گرفته شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که مالکیت نهادی بر سیاست تقسیم سود تأثیری ندارد؛ یعنی مالکیت سهامداران نهادی در یک شرکت بیشتر باشد باعث نمی‌شود که نسبت پرداخت سود آن در طی زمان افزایش یابد و این شاید به این دلیل باشد که مالکان نهادی دخالتی در سیاست سود تقسیمی ندارند. همچنین شرکت‌های دارای جریان نقد آزاد بالا و دارایی‌های قابل وثیقه‌گذاری بالا به منظور جلوگیری از تضاد نمایندگی و در نتیجه کاهش هزینه نمایندگی سود بیشتری تقسیم می‌کنند. همچنین اندازه شرکت تأثیر مثبت و اهرم شرکت تأثیر منفی با سیاست تقسیم سود دارد.

### مطالعات خارجی

برادشو و همکاران (۲۰۱۹) به بررسی رابطه میان هزینه‌های نمایندگی و برنامه‌ریزی مالیاتی سهامداران عمده پرداختند. آنان دریافته‌اند که بین هزینه‌های نمایندگی و اجتناب مالیاتی نقدی، رابطه مثبت و معنادار و بین هزینه‌های نمایندگی و اجتناب مالیاتی تعهدی، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

خان و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۱۷) به بررسی تأثیر اجتناب مالیاتی بر هزینه سرمایه حقوق مالکانه شرکت پرداختند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که شرکت‌های با اجتناب مالیاتی بالا، پتانسیل تضاد نمایندگی بیشتر و هزینه حقوق صاحبان سهام بیشتر نسبت به شرکت‌های با اجتناب مالیاتی پایین دارند و همچنین افراد برون سازمانی اهمیت خاصی به اجتناب مالیاتی شرکت‌ها قائل نیستند. بنابراین در شرکت‌هایی که برنامه‌های اجتناب مالیاتی اجرا می‌شود، وجود کیفیت اطلاعات از اهمیت ویژه‌ای برخوردار خواهد بود. در نهایت با تفکیک صنایع فرضیه‌ها دوباره آزمون شد. نتایج حاکی از تأثیر تفکیک صنعت بر رابطه اجتناب مالیاتی و هزینه حقوق صاحبان سهام است.

<sup>2</sup> Khan et al

هی و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۱۶) به بررسی اثر هزینه نمایندگی بر ارتباط میان ساختار مالکیت و اجتناب از مالیات پرداختند. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که بین مالکیت نهادی و اجتناب از مالیات شرکت‌ها رابطه منفی و معناداری وجود دارد. همچنین نتایج نشان می‌دهد که هزینه نمایندگی اثر معناداری بر ارتباط بین مالکیت نهادی و اجتناب از مالیات شرکت‌ها ندارد.

اسکاپیرو<sup>۴</sup> (۲۰۱۴) به بررسی رابطه میان ساختار مالکیت و فعالیت‌های متهورانه مالیاتی پرداخت. یافته‌ها بیان داشت اجتناب مالیاتی فرایندی است که از طریق آن شرکت‌ها اقدام به کاهش پرداخت‌های ناشی از مالیات بردرآمد به سازمان مالیاتی می‌کنند. پرداخت مالیات منجر به کاهش سود و وجوه نقد باقیمانده برای سایر ذینفعان شرکت از جمله سهامداران می‌شود. از این رو، به طور طبیعی این انگیزه وجود دارد تا شرکت و سهامداران آن اقداماتی را جهت اجتناب از پرداخت مالیات انجام دهند. براساس این مفهوم، محققان، اجتناب مالیاتی را به عنوان توانایی پرداخت مقدار کمی از مالیات بر درآمد نقدی نسبت به سود قبل از مالیات شرکت تعریف کرده‌اند. نظریه‌ای وجود دارد که بیان می‌کند اجتناب مالیاتی مستلزم محدود کردن جریان اطلاعات خاص از شرکت برای جلوگیری از تشخیص توسط مقامات مالیاتی است.

یین و ژانگ<sup>۵</sup> (۲۰۱۴) به بررسی تأثیر مسئولیت اجتماعی و هزینه‌های مدیریت مالیات شرکت بر اجتناب مالیاتی پرداختند. نتایج حاکی از آزمون فرضیات بیانگر رد فرضیه‌های تحقیق است. بطوری که هزینه‌های مدیریت مالیاتی شرکت‌ها، بر اجتناب مالیاتی آنها تأثیر معناداری ندارد. همچنین مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، بر رابطه بین هزینه‌های مدیریت مالیاتی شرکت‌ها و اجتناب مالیاتی آنها تأثیر معناداری ندارد.

#### اهداف پژوهش

- ✓ بررسی رابطه بین هزینه‌های نمایندگی و اجتناب مالیاتی نقدی.
- ✓ بررسی رابطه بین هزینه‌های نمایندگی و اجتناب مالیاتی تعهدی.
- ✓ بررسی نقش مالکیت دولتی در تعدیل رابطه بین هزینه‌های نمایندگی و اجتناب مالیاتی نقدی.
- ✓ بررسی نقش مالکیت دولتی در تعدیل رابطه بین هزینه‌های نمایندگی و اجتناب مالیاتی تعهدی.

#### مدل تحلیلی و متغیرهای پژوهش

فرضیه اول: رابطه هزینه‌های نمایندگی با اجتناب مالیاتی رابطه مثبت و معنادار است

- ✓ ۱-۱: بین هزینه‌های نمایندگی و اجتناب مالیاتی نقدی، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.
- ✓ ۲-۱: بین هزینه‌های نمایندگی و اجتناب مالیاتی تعهدی، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم: مالکیت دولتی بر رابطه هزینه‌های نمایندگی با اجتناب مالیاتی تأثیر معناداری دارد

- ✓ ۱-۲: مالکیت دولتی، تعدیل کننده رابطه بین هزینه‌های نمایندگی و اجتناب مالیاتی نقدی است.
- ✓ ۲-۲: مالکیت دولتی، تعدیل کننده رابطه بین هزینه‌های نمایندگی و اجتناب مالیاتی تعهدی است.

به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش، از مدل رگرسیونی مورد استفاده در پژوهش برادشو و همکاران (۲۰۱۹) بشرح زیر، استفاده خواهد شد.

<sup>3</sup> He et al

<sup>4</sup> Schapiro

<sup>5</sup> Yin & Zhang

$$TA_{it} = \alpha + \alpha_1 SOE_{i,t} + \alpha_2 SIZE_{i,t} + \alpha_3 ROA_{i,t} + \alpha_4 MB_{i,t} + \alpha_5 Lev_{i,t} + \alpha_6 CAPEX_{i,t} + \alpha_7 NOL_{i,t} + \alpha_8 ForSale + \alpha_9 Equ + \alpha_{10} Own + \alpha_{11} Dual + \epsilon \quad (1)$$

$$\left\{ \begin{array}{l} H: \alpha_1 = 0 \\ H: \alpha_1 \neq 0 \end{array} \right. \quad TA_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 SOE + \alpha_2 NOL + \beta_2 \sum \alpha_i CONTROL_{it} + \alpha_{11} SOE * NOL_{it} + \epsilon_{it} \quad (2)$$

شیوه ارزیابی متغیرها به اختصار در نگاره زیر نشان داده است.

شیوه ارزیابی متغیرها

شیوه سنجش	نوع	نماد	نام متغیرها
$ETR = \frac{\text{مالیات ابرازی}}{\text{سود (زیان) قبل از کسر مالیات}}$ $TA_1 = ETR - ETR$ <p>ETR: اجتناب مالیاتی شرکت i ETR: متوسط اجتناب مالیاتی شرکت‌های حاضر در صنعت i. <math display="block">ETR = \sum ETR * 1/n</math></p>	وابسته	TA <sub>2</sub>	اجتناب مالیاتی تعهدی (برنامه ریزی مالیاتی)
$CETR = \frac{\text{مالیات نقدی پرداخت شده}}{\text{سود (زیان) قبل از کسر مالیات}}$ $TA_2 = CETR - CETR$ <p>CETR: اجتناب مالیاتی نقدی شرکت i CETR: متوسط اجتناب مالیاتی نقدی شرکت‌های حاضر در صنعت i <math display="block">CETR = \sum CETR * 1/n</math></p>	وابسته	TA <sub>1</sub>	اجتناب مالیاتی نقدی (برنامه ریزی مالیاتی)
اگر بیش از ۵۰ درصد سهام شرکت، تحت تملک دولت باشد، امتیاز یک و در غیر این صورت امتیاز صفر.	مستقل	SOE	مالکیت دولتی
نسبت هزینه‌های عملیاتی به فروش خالص.	تعدیلگر	NOL	هزینه‌های نمایندگی
لگاریتم طبیعی ارزش دارایی‌ها در پایان سال.	کنترلی	SIZE	اندازه شرکت
نسبت سود و زیان خالص به کل دارایی‌ها.	کنترلی	ROA	سودآوری
نسبت ارزش بازار سهام به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام عادی.	کنترلی	MB	رشد
نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی‌ها.	کنترلی	LEV	اهرم مالی
نسبت تغییرات دارایی‌های ثابت مشهود به کل دارایی‌ها.	کنترلی	CAPEX	مخارج سرمایه‌ای
نسبت خالص فروش به کل دارایی‌ها.	کنترلی	FORSALE	گردش دارایی‌ها
نسبت حقوق صاحبان سهام به کل دارایی‌ها.	کنترلی	EQU	نسبت حقوق صاحبان سهام
مجموع سهام تحت تملک مدیران شرکت	کنترلی	OWN	ساختار مالکیت
اگر مدیر عامل، بصورت همزمان عضویت هیات مدیره را در اختیار نداشته باشد، امتیاز یک و در غیر این صورت، امتیاز صفر.	کنترلی	DUAL	نقش دوگانه مدیرعامل

### جامعه آماری، روش نمونه‌گیری و حجم نمونه

از آنجا که شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مشمول مقررات نظارتی خاص سازمان بورس و اوراق بهادار می‌باشد انتظار می‌رود اطلاعات تهیه و ارائه شده از سوی این شرکت‌ها از انسجام، قابلیت اعتماد و کیفیت بالاتری برخوردار باشد. لذا جامعه آماری یا همان قلمرو مکانی شامل شرکت‌های فعال در بورس اوراق بهادار تهران از ابتدای سال ۱۳۹۳ تا پایان سال ۱۳۹۷ به مدت پنج سال می‌باشد. برای دستیابی به نتایج قابل اتکا، شرکت‌هایی که پس از سال ۱۳۹۳ وارد بورس شده یا در طی دوره پژوهش از بورس خارج شده‌اند در جامعه آماری قرار نگرفتند. افزون بر این، برای حصول به نمونه آماری مطلوب از روش حذف سیستماتیک استفاده شده است. لذا، جامعه آماری با استفاده از شرایط و محدودیت‌های زیر تعدیل شده است:

#### شیوه انتخاب نمونه آماری

- ۵۵۰ کل شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران از ابتدا تا پایان سال ۱۳۹۷
- (۹۰) شرکت‌هایی که سال مالی آنها منتهی به ۲۹ اسفند نمی‌باشد.
- (۷۹) شرکت‌هایی که در دوره مورد بررسی، پنج سال عضویت خود را در بورس حفظ ننموده‌اند.
- (۸۹) شرکت‌هایی که داده‌های آنها برای انجام این پژوهش کافی نبوده است.
- (۷۹) شرکت‌هایی که در دوره مورد بررسی، سال مالی خود را تغییر داده‌اند.
- (۸۲) شرکت‌هایی که جزو بانک‌ها و موسسات اعتباری، واسطه‌گری، بیمه و هلدینگ بوده‌اند.
- ۱۳۱ کل شرکت‌های مورد بررسی، پس از انجام نمونه‌گیری

#### یافته‌های پژوهش

#### بررسی آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

آمار توصیفی متغیرهای پژوهش در نگاره زیر نشان داده شده است.

#### آمار توصیفی متغیرهای پژوهش در دوره مورد بررسی

مشاهدات	انحراف معیار	کمترین	بیشترین	میانه	میانگین	متغیر	
۶۵۵	۰,۱۷۹	۰,۱۲۰	۰,۸۸۱	۰,۳۰۹	۰,۳۴۲	TA1	اجتناب مالیاتی نقدی
۶۵۵	۰,۰۲۹	۰,۰۱۵	۰,۳۳۸	۰,۱۴۵	۰,۱۵۱	TA2	اجتناب مالیاتی تعهدی
۶۵۵	۳,۱۰۱	۰,۰۰۰	۱,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۲۵۴	SOE	مالکیت دولتی
۶۵۵	۰,۱۱۶	۰,۰۵۸	۰,۵۵۳	۰,۱۸۱	۰,۲۰۲	NOL	هزینه‌های نمایندگی
۶۵۵	۳,۸۳۷	۹,۳۸۶	۲۱,۷۸۴	۱۵,۶۷۳	۱۵,۵۸۸	SIZE	اندازه شرکت
۶۵۵	۰,۲۴۱	-۰,۳۰۰	۱,۹۹۰	۱,۶۷۵	۱,۶۳۸	ROA	سودآوری
۶۵۵	۰,۵۵۸	۱,۶۳۰	۳,۱۲۶	۲,۲۱۰	۲,۳۷۳	MB	رشد
۶۵۵	۰,۱۳۰	۰,۱۴۳	۰,۸۵۵	۰,۵۸۳	۰,۶۰۲	LEV	اهرم مالی
۶۵۵	۰,۱۹۴	۰,۱۱۰	۰,۳۵۳	۰,۱۸۳	۰,۱۷۹	CAPEX	مخارج سرمایه‌ای
۶۵۵	۱,۵۸۶	۰,۲۶۸	۰,۹۹۸	۰,۶۴۸	۰,۶۵۵	FORSALE	گردش دارایی‌ها
۶۵۵	۰,۰۴۴	۰,۲۵۴	۰,۸۰۷	۰,۵۹۷	۰,۵۴۹	EQU	نسبت حقوق صاحبان سهام
۶۵۵	۰,۸۵۵	۰,۰۰۰	۱,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۲۰۰	DUAL	نقش دوگانه مدیرعامل

#### آزمون نرمال بودن متغیرهای وابسته پژوهش

بدین منظور، برای بررسی نرمال بودن داده‌ها از آزمون جاک - برا در محیط نرم افزاری ایویوز استفاده شده است. توزیع آماری آزمون مذکور بصورت زیر است:



متغیرهای وابسته پژوهش دارای توزیع نرمال است:  $H_0$

متغیرهای وابسته پژوهش دارای توزیع نرمال نیست:  $H_1$

نتایج آزمون مذکور در نگاره زیر ارائه شده است.

### نتایج آزمون نرمال بودن متغیرهای وابسته و هس

متغیر	نماد	آماره جارک برا	احتمال آماره جارک برا
اجتناب مالیاتی نقدی	TA1	۹۴۳,۴۱۲	۰,۰۵۹
اجتناب مالیاتی تعهدی	TA2	۹۴۳,۸۰۰	۰,۰۶۱

با توجه به آنکه مقدار احتمال آماره جارک - برا، بیشتر از سطح خطای ۵٪ می باشد، می توان نتیجه گرفت متغیرهای وابسته پژوهش، دارای توزیع نرمال هستند.

### آزمون فرضیه های پژوهش

#### آزمون فرضیه اول

مدل رگرسیونی اثرات ثابت فرضیه مذکور در نگاره زیر به نمایش گذاشته شده است.

#### مدل رگرسیونی اثرات ثابت فرضیه اول

متغیرها	آماره ها	نماد	ضرایب رگرسیونی	خطای استاندارد	مقدار آماره تی	احتمال آماره تی
مقدار ثابت	C	۵,۸۵۵	۷,۷۶۳	۰,۷۵۴	۰,۴۵۱۱	
مالکیت دولتی	SOE	۸,۰۴۷	۳,۱۸۷	۲,۵۲۴	۰,۰۱۱۹	
هزینه های نمایندگی	NOL	۵,۴۵۱	۰,۲۷۵	۱۹,۷۵۸	۰,۰۰۰۰	
اندازه شرکت	SIZE	۱۰,۶۵۸	۲,۵۰۰	۴,۲۷۴	۰,۰۰۰۰	
سودآوری	ROA	۹,۸۹۰	۲۶,۵۲۴	۰,۳۷۲	۰,۷۰۹۴	
رشد	MB	۹,۰۷۸	۶,۸۱۳	۱,۳۳۲	۰,۱۸۳۳	
اهرم مالی	LEV	۱۰,۶۳۶	۹,۰۸۶	۱,۱۷۳	۰,۲۴۱۲	
مخارج سرمایه ای	CAPEX	-۷,۱۷۶	۱,۳۹۷	-۵,۱۳۴	۰,۰۰۰۰	
گردش دارایی ها	FORSALE	-۲۸,۴۳۸۰	۶,۵۱۵	-۴,۳۶۴	۰,۰۰۰۰	
نسبت حقوق صاحبان سهام	EQU	۱,۹۲۱	۱,۰۱۷	۱,۸۸۸	۰,۰۵۹۵	
ساختار مالکیت	OWN	-۳,۳۶۷	۱,۱۸۱	-۲,۸۵۰	۰,۰۰۴۵	
نقش دوگانه مدیرعامل	DUAL	-۵,۳۹۹	۳,۰۸۷	-۱,۷۴۹	۰,۰۸۰۸	
ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	دوربین واتسون	آماره اف	احتمال آماره اف		
۰,۸۶۹	۰,۸۶۱	۱,۹۸۵	۲۱,۰۰۵	۰,۰۰۰۰		

بر اساس مندرجات نگاره فوق در می یابیم که بین هزینه های نمایندگی و اجتناب مالیاتی نقدی، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. زیرا ضمن مثبت بودن علامت ضریب رگرسیونی (۸,۰۴۷) سطح معنی داری آن (۰,۰۱۱۹)، کمتر از سطح خطای ۵٪ می باشد. لذا فرضیه اول در سطح اطمینان ۹۵٪ تأیید می گردد. بر اساس ضریب تعیین تعدیل شده مدل، حدود ۸۶٪ تغییرات متغیر وابسته، ضمن توجه به تأثیر متغیرهای کنترلی، توسط تغییرات متغیرهای توضیحی که در مدل مذکور پیش بینی شده بود، قابل توضیح است. برای بررسی خود همبستگی میان متغیرهای پژوهش از آزمون دوربین - واتسون استفاده شده است که چون مقدار آن در بازه بهینه ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد، بیان کننده این مطلب است که همبستگی بین واریانس جملات خطا دارای

تأثیر گذاری جدی نبوده؛ دارای استقلال بوده و فرض وجود خودهمبستگی میان متغیرها، رد می‌گردد. در نهایت به منظور بررسی معنادار بودن مدل، از آزمون اف استفاده شد و چون احتمال آماره آزمون مذکور (۰,۰۰۰)، کمتر از سطح خطای ۵٪ می‌باشد، معنادار بودن رگرسیونی برازش شده تأیید می‌گردد؛ عبارت دیگر؛ کلیت رگرسیون بصورت خطی، قابل اعتماد است.

### آزمون فرضیه دوم

مدل رگرسیونی اثرات ثابت فرضیه مذکور در نگاره زیر به نمایش گذاشته شده است.

### مدل رگرسیونی اثرات ثابت فرضیه دوم

متغیرها	آماره ها	نماد	ضرایب رگرسیونی	خطای استاندارد	مقدار آماره تی	احتمال آماره تی
مقدار ثابت	C	۵,۸۵۵	۷,۷۶۳	۰,۷۵۴	۰,۴۵۱۱	
مالکیت دولتی	SOE	۲,۱۹۹	۲,۳۷۲	۰,۹۲۷	۰,۳۵۴۳	
هزینه‌های نمایندگی	NOL	۱,۰۱۴	۳,۰۷۸	۳,۱۲۷	۰,۰۱۱۸	
اندازه شرکت	SIZE	۳,۱۳۴	۴,۳۲۵	۰,۷۲۴	۰,۴۶۹۰	
سودآوری	ROA	-۱,۱۲۶	۳,۲۴۶	-۰,۳۴۷	۰,۷۲۸۷	
رشد	MB	۷,۳۳۳	۲,۹۳۵	۳,۰۱۶	۰,۰۰۹۳	
اهرم مالی	LEV	۱,۰۷۹	۱,۱۳۳	۰,۹۵۲	۰,۳۴۱۲	
مخارج سرمایه‌ای	CAPEX	-۱۱,۳۱۱	۳,۵۱۹	-۳,۲۲۲	۰,۰۰۱۴	
گردش دارایی‌ها	FORSALE	-۱۲,۵۲۱	۶۲,۷۷۰	-۰,۱۹۹	۰,۸۴۲۰	
نسبت حقوق صاحبان سهام	EQU	-۳,۰۸۷	۰,۹۹۴	-۳,۱۰۴	۰,۰۰۲۰	
ساختار مالکیت	OWN	۱,۷۳۲	۰,۵۷۸	۲,۹۹۳	۰,۰۰۲۹	
نقش دوگانه مدیرعامل	DUAL	۵,۰۶۲	۰,۴۷۹	۱۰,۵۶۳	۰,۰۰۰۰	
ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	دوربین واتسون	آماره اف	احتمال آماره اف		
۸۶۷	۰,۸۰۳	۲,۰۰۵	۹,۶۵۲	۰,۰۰۰۰		

بر اساس مندرجات نگاره فوق در می‌یابیم که بین هزینه‌های نمایندگی و اجتناب مالیاتی تعهدی، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. زیرا ضمن مثبت بودن علامت ضریب رگرسیونی (۱,۰۱۴) سطح معنی‌داری آن (۰,۰۱۱۸)، کمتر از سطح خطای ۵٪ می‌باشد. لذا فرضیه دوم در سطح اطمینان ۹۵٪ تأیید می‌گردد. بر اساس ضریب تعیین تعدیل شده مدل، حدود ۸۰٪ تغییرات متغیر وابسته، ضمن توجه به تأثیر متغیرهای کنترلی، توسط تغییرات متغیرهای توضیحی که در مدل مذکور پیش بینی شده بود، قابل توضیح است. برای بررسی خود همبستگی میان متغیرهای پژوهش از آزمون دوربین - واتسون استفاده شده است که چون مقدار آن در بازه بهینه ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد، بیان کننده این مطلب است که همبستگی بین واریانس جملات خطا دارای تأثیر گذاری جدی نبوده؛ دارای استقلال بوده و فرض وجود خودهمبستگی میان متغیرها، رد می‌گردد. در نهایت به منظور بررسی معنادار بودن مدل، از آزمون اف استفاده شد و چون احتمال آماره آزمون مذکور (۰,۰۰۰)، کمتر از سطح خطای ۵٪ می‌باشد، معنادار بودن رگرسیونی برازش شده تأیید می‌گردد؛ عبارت دیگر؛ کلیت رگرسیون بصورت خطی، قابل اعتماد است.

### آزمون فرضیه سوم

مدل رگرسیونی اثرات ثابت فرضیه مذکور در نگاره زیر به نمایش گذاشته شده است.

مدل رگرسیونی اثرات ثابت فرضیه سوم

متغیرها	آماره ها	نماد	ضرایب رگرسیونی	خطای استاندارد	مقدار آماره تی	احتمال آماره تی
مقدار ثابت	C	۱,۸۷۶	۰,۷۱۹	۲,۶۰۷	۰,۰۰۹۴	
مالکیت دولتی	SOE	۰,۴۱۳	۰,۰۳۱	۱۲,۹۹۸	۰,۰۰۰۰	
هزینه‌های نمایندگی	NOL	۰,۶۷۵	۰,۳۹۳	۱,۷۱۶	۰,۰۸۶۸	
تعامل مالکیت دولتی و هزینه‌های نمایندگی	SOENOL	۰,۰۹۴	۰,۰۷۵	۱,۲۴۶	۰,۲۱۳۰	
اندازه شرکت	SIZE	۰,۵۵۳	۰,۳۱۵	۱,۷۵۶	۰,۰۷۹۶	
سودآوری	ROA	۰,۵۱۰	۰,۰۵۳	۹,۴۷۷	۰,۰۰۰۰	
رشد	MB	۰,۰۰۸	۰,۰۱۳	۰,۶۴۱	۰,۵۲۱۵	
اهرم مالی	LEV	۰,۰۸۵	۰,۱۹۵	۰,۴۳۶	۰,۶۶۳۰	
مخارج سرمایه‌ای	CAPEX	-۰,۷۵۲	۰,۷۵۹	-۰,۹۹۰	۰,۳۲۲۲	
گردش دارایی‌ها	FORSALE	۱۲,۷۶۱	۲,۳۶۸	۵,۳۸۷	۰,۰۰۰۰	
نسبت حقوق صاحبان سهام	EQU	۷,۵۲۴	۱۰,۵۸۹	۰,۷۱۰	۰,۴۷۷۷	
ساختار مالکیت	OWN	۲,۰۴۶	۱,۲۶۱	۱,۶۲۲	۰,۱۰۵۴	
نقش دوگانه مدیرعامل	DUAL	۱۴,۸۱۸	۸,۹۱۳	۱,۶۶۲	۰,۰۹۷۱	
ضریب تعیین شده	دوربین واتسون	ضریب تعیین	آماره اف	احتمال آماره اف		
۰,۱۰۹	۲,۰۱۸	۰,۱۱۵	۹,۲۰۶÷	۰,۰۰۰۰		

بر اساس مندرجات نگاره فوق در می‌یابیم که مالکیت دولتی، تعدیل کننده رابطه بین هزینه‌های نمایندگی و اجتناب مالیاتی نقدی نیست. لذا فرضیه سوم در سطح اطمینان ۹۵٪ رد می‌گردد. زیرا ضمن مثبت بودن علامت ضریب رگرسیونی (۰,۰۹۴) سطح معنی‌داری آن (۰,۲۱۳۰)، بیشتر از سطح خطای ۵٪ می‌باشد. بر اساس ضریب تعیین تعدیل شده مدل، حدود ۱۱٪ تغییرات متغیر وابسته، ضمن توجه به تأثیر متغیرهای کنترلی، توسط تغییرات متغیرهای توضیحی که در مدل مذکور پیش بینی شده بود، قابل توضیح است. برای بررسی خود همبستگی میان متغیرهای پژوهش از آزمون دوربین - واتسون استفاده شده است که چون مقدار آن در بازه بهینه ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد، بیان کننده این مطلب است که همبستگی بین واریانس جملات خطا دارای تأثیر گذاری جدی نبوده؛ دارای استقلال بوده و فرض وجود خودهمبستگی میان متغیرها، رد می‌گردد. در نهایت به منظور بررسی معنادار بودن مدل، از آزمون اف استفاده شد و چون احتمال آماره آزمون مذکور (۰,۰۰۰)، کمتر از سطح خطای ۵٪ می‌باشد، معنادار بودن رگرسیونی برازش شده تأیید می‌گردد؛ بعبارت دیگر؛ کلیت رگرسیون بصورت خطی، قابل اعتماد است.

آزمون فرضیه چهارم

مدل رگرسیونی اثرات ثابت فرضیه مذکور در نگاره زیر به نمایش گذاشته شده است.

## مدل رگرسیونی اثرات ثابت فرضیه چهارم

آماره ها متغیرها	نماد	ضرایب رگرسیونی	خطای استاندارد	مقدار آماره تی	احتمال آماره تی
مقدار ثابت	C	۳۲,۴۹۷	۱۶,۴۹۴	۱,۹۷۰	۰,۰۴۹۳
مالکیت دولتی	SOE	۱,۴۹۶	۱,۲۹۸	۱,۱۵۲	۰,۲۴۹۷
هزینه‌های نمایندگی	NOL	۶,۹۱۹	۱۱,۶۸۷	۰,۵۹۲	۰,۵۵۴۰
تعامل مالکیت دولتی و هزینه‌های نمایندگی	SOENOL	۱,۴۳۱	۲,۹۹۶	۰,۴۷۷	۰,۶۳۳۲
اندازه شرکت	SIZE	-۲,۹۰۲	۰,۸۵۳	-۳,۳۹۹	۰,۰۰۰۷
سودآوری	ROA	۰,۱۹۸	۰,۴۵۵	۰,۴۳۵	۰,۶۶۳۲
رشد	MB	-۰,۸۲۰	۵,۶۱۴	-۰,۱۴۶	۰,۸۸۳۸
اهرم مالی	LEV	۶,۹۱۹	۱۱,۷۱۲	۰,۵۹۰۷۶۹	۰,۵۵۴۹
مخارج سرمایه‌ای	CAPEX	-۳,۱۲۴	۳,۷۱۵	-۰,۸۴۰	۰,۴۰۰۸
گردش دارایی‌ها	FORSALE	۸,۳۸۹	۶,۸۵۹	۱,۲۲۳	۰,۲۲۱۹
نسبت حقوق صاحبان سهام	EQU	-۶,۴۵۵	۴,۸۴۳	-۱,۳۳۲	۰,۱۸۳۳
ساختار مالکیت	OWN	۵,۵۸۸	۲,۷۱۲	۲,۰۶۰	۰,۰۰۰۰
نقش دوگانه مدیرعامل	DUAL	-۷,۳۰۴۹۹	۱,۳۶۵۹۸۹	-۵,۳۴۷	۰,۰۰۰۰
ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	دوربین واتسون	آماره اف	احتمال آماره اف	
۰,۲۲۷	۰,۲۰۳	۲,۰۰۵	۹,۶۵۲	۰,۰۰۰۰	

بر اساس مندرجات نگاره فوق در می‌یابیم که مالکیت دولتی، تعدیل کننده رابطه بین هزینه‌های نمایندگی و اجتناب مالیاتی تعهدی نیست. لذا فرضیه چهارم در سطح اطمینان ۹۵٪ رد می‌گردد. زیرا ضمن مثبت بودن علامت ضریب رگرسیونی (۱,۴۳۱) سطح معنی‌داری آن (۰,۶۳۳۲)، بیشتر از سطح خطای ۵٪ می‌باشد. بر اساس ضریب تعیین تعدیل شده مدل، حدود ۲۰٪ تغییرات متغیر وابسته، ضمن توجه به تأثیر متغیرهای کنترلی، توسط تغییرات متغیرهای توضیحی که در مدل مذکور پیش بینی شده بود، قابل توضیح است. برای بررسی خود همبستگی میان متغیرهای پژوهش از آزمون دوربین - واتسون استفاده شده است که چون مقدار آن در بازه بهینه ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد، بیان کننده این مطلب است که همبستگی بین واریانس جملات خطا دارای تأثیر گذاری جدی نبوده؛ دارای استقلال بوده و فرض وجود خودهمبستگی میان متغیرها، رد می‌گردد. در نهایت به منظور بررسی معنادار بودن مدل، از آزمون اف استفاده شد و چون احتمال آماره آزمون مذکور (۰,۰۰۰۰)، کمتر از سطح خطای ۵٪ می‌باشد، معنادار بودن رگرسیونی برآزش شده تأیید می‌گردد؛ بعبارت دیگر؛ کلیت رگرسیون بصورت خطی، قابل اعتماد است.

## نتیجه‌گیری

یکی از منابع مهم درآمدی دولت‌ها، مالیات است که علاوه بر اینکه بخش عمده‌ای از هزینه‌ها را تامین می‌کند، بعنوان ابزار مناسب مالی برای کنترل اقتصاد نیز بکار گرفته می‌شود. هنگامی که در سطح جامعه با رشد نقدینگی مواجه می‌شویم دولت می‌تواند با افزایش نرخ‌های مالیاتی موجبات کاهش نقدینگی و تورم را فراهم آورد و اگر رکود و کم‌حرکی و عدم رونق اقتصادی را در اقتصاد شاهد باشیم، مسئولان می‌توانند با کاهش نرخ‌های مالیاتی شکوفایی اقتصاد را به جامعه برگردانند. بدین ترتیب مالیات می‌تواند یکی از ابزارهای مهم مالی و به عنوان سوپاپ

اطمینان اقتصادی کارکردهای مطلوبی برای جامعه به همراه داشته باشد. همچنین مالیات نقش مهمی در توزیع عادلانه درآمد و توزیع مجدد ثروت دارد. دولت‌ها با اخذ مالیات از ثروتمندان و توزیع آنان در قالب کمک‌های بلاعوض و اعانات و پرداخت یارانه به افراد کم درآمد جامعه در برقراری عدالت اجتماعی نیز نقش موثری ایفا نمایند. در تئوری نمایندگی مشکل تضاد منافع با کارگزار دغدغه‌ای همیشگی برای کارگمار است. بر این اساس همواره کارگمار به دنبال راهی برای حل این مشکل بوده تا به نحوی کارگزار را به اقدام در جهت هدف اصلی هر شرکت، یعنی حداکثرسازی منافع کارگماران آن، تحریک نماید. بنابراین کارگمار باید مخارجی را متحمل گردد تا بتواند منافع کارگزار را با خود هم سو نماید یا حداقل از اقدامات وی در جهت منافع خودش کسب اطمینان نماید. از آنجا که چنین مخارجی به واسطه انعقاد قرارداد میان کارگمار و کارگزار و شکل‌گیری رابطه نمایندگی پدید می‌آید؛ هزینه‌های نمایندگی نامیده می‌شود. تئوری نمایندگی (کارگزاری) مربوط به موردی است که یک نفر مسئولیت تصمیم‌گیری در خصوص توزیع منابع مالی و اقتصادی و یا انجام خدمتی را طی قرارداد مشخصی به شخص دیگری واگذار می‌نماید. شخص اول را در اصطلاح، صاحبکار (مالک) و شخص دوم را اصطلاحاً نماینده (کارگزار) می‌نامند. تئوری نمایندگی عمدتاً به تضاد منافع موجود بین مدیریت و مالکیت اشاره دارد. با بزرگتر شدن شرکتها، مالکان اداره شرکت را به مدیران تفویض کرده‌اند. جدایی مالکیت از مدیریت، منجر به مشکلات نمایندگی می‌شود. طبق تئوری نمایندگی، اولین مشکل مربوط به نمایندگی وجود تضاد منافع بین سهامدار و مدیر است. تحقیقات اثباتی حسابداری، سعی دارد تا ارتباطات رفتاری را در حسابداری بیان کند. تحقیقات مزبور، تحقیقاتی تجربی و مشاهده‌ای هستند که کوشش می‌کنند تا پاسخی برای این سوال بیابند که چرا هیات‌های تدوین استاندارد، روش خاصی را انتخاب می‌کنند، یا چرا مدیریت شرکت‌ها روش معینی را از میان روش‌های پذیرفته شده حسابداری بر می‌گزینند. فرضیه بازار کارآمد، نمی‌تواند پاسخی برای پرسش‌هایی نظیر پرسش‌های مذکور داشته باشد. زیرا بازار تنها می‌تواند اثر افزایش اطلاعات حسابداری بر قیمت سهام را نشان دهد و نمی‌تواند توضیح دهد که چرا مدیران شرکت‌ها از میان روش‌های مختلف حسابداری، تنها روش مورد نظر را انتخاب می‌نمایند. توجیه رفتار مدیران تنها از عهده تئوری اثباتی حسابداری بر می‌آید. دو دسته از تئوری‌هایی که در زمره تحقیقات اثباتی حسابداری، قرار می‌گیرند، یکی تئوری قرارداد و دیگری تئوری نمایندگی می‌باشد. پژوهش حاضر از منظر نظریه نمایندگی، تاثیر هزینه‌های نمایندگی را بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها مورد ارزیابی قرار می‌دهد. از آنجایی که اجتناب مالیاتی به شکلی جسورانه در زمره فعالیت‌های خطرناک قرار دارد و می‌تواند موجبات متضرر شدن سهامداران را فراهم نماید، شرکت‌های ریسک‌گریز چنین فعالیت‌هایی را دنبال نمی‌کنند. با این وجود در شرکت‌هایی که هزینه‌های نمایندگی بالایی وجود دارد، پیش‌بینی می‌شود درجه ریسک‌پذیری بالایی نیز وجود داشته باشد و رویکردی جسورانه را در قبال مالیات اتخاذ کنند. بنابراین ممکن است میزان هزینه‌های نمایندگی موجود در شرکت‌ها بر اجتناب مالیاتی آنان موثر باشد. هر چه هزینه‌های نمایندگی در یک شرکت افزایش یابند، نشان دهنده افزایش شدت تضاد منافع در آن شرکت می‌باشد. بر این اساس پژوهشگران برای بررسی رابطه نمایندگی به مطالعه هزینه‌های نمایندگی، به عنوان معیاری پرداخته‌اند که نه تنها تاییدکننده رابطه نمایندگی و مشکل تضاد منافع است، بلکه نشان دهنده میزان تضاد منافع نیز می‌باشد. در این راستا همواره نظریه پردازان تلاش نموده‌اند تا با اندازه‌گیری این هزینه‌ها، رابطه نمایندگی را مطالعه کنند، اما محققان در اندازه‌گیری هزینه‌های نمایندگی با مشکل مواجه هستند. در راستای حل این مشکل پژوهشگران انتخاب و استفاده از شاخص یا شاخص‌هایی را پیشنهاد نمودند که این شاخص یا شاخص‌ها خود معرف هزینه‌های نمایندگی در یک شرکت باشند تا بدین واسطه بتوانند رابطه نمایندگی و تضاد منافع حاکم بر آن را بررسی کنند. بر اساس نظر فاما و جنسن (۱۹۸۳)، مشکلات نمایندگی معمولاً در شرکت‌های سهامی به دلیل ماهیت نامحدود حقوق باقیمانده مرتبط با سهام عادی که می‌تواند به شکاف بین منافع مدیران و سهامداران شرکت منجر شود، ایجاد می‌شود. هانلون و

هیتمن (۲۰۱۰) نیز اجتناب مالیاتی را به عنوان کاهش مالیات مستقیم پرداختی شرکت تعریف می‌نمایند و پژوهش‌های انجام شده در این زمینه نیز تعاریف متنوعی از واژه‌ها مانند مدیریت مالیات، برنامه‌ریزی مالیاتی، رویکرد جسورانه مالیاتی و فرار مالیاتی مالیاتی را برای تبیین این مفهوم به کار برده‌اند. اجتناب از مالیات، از خلاهای قانونی در قانون مالیات‌ها نشات می‌گیرد. در اینجا فرد به منظور کاهش قابلیت پرداخت مالیات، خود دنبال راه‌های گریز می‌گردد. مثلاً درآمدهای نیروی کار را در قالب درآمد سرمایه نشان می‌دهد که از نرخ پایین تری برای مالیات برخوردارند. در اجتناب از مالیات، مؤدی مالیاتی دلیلی ندارد نگران احتمال افشا شدن باشد، چرا که او الزاماً تمامی مبادلات خود را با جزئیات آن البته به شکل غیر واقعی، یادداشت و ثبت می‌کند. در واقع، عوامل اقتصادی با استفاده از روزه‌های قانون مالیات و بازبینی در تصمیمات اقتصادی خود تلاش می‌کنند تا بدهی مالیاتی خود را کاهش دهند. از آنجا که اجتناب از پرداخت مالیات فعالیت به ظاهر قانونی است، از این رو بیشتر از فرار مالیاتی در معرض دید است. به عبارت دیگر، اجتناب از مالیات، یک نوع سوء استفاده رسمی از قوانین مالیاتی است.

### پیشنهادات

#### پیشنهادات کاربردی حاصل از آزمون فرضیه اول

- \* به مدیران واحدهای تجاری پیشنهاد می‌گردد که از طریق کاهش هزینه‌های نمایندگی؛ موجبات کاهش اجتناب مالیاتی نقدی واحدهای تجاری تحت کنترل خود را فراهم آورند.
- \* به سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌گردد که واحدهای هدف سرمایه‌گذاری را بر اساس هزینه‌های نمایندگی آنان رتبه‌بندی نموده و انجام فعالیت‌های سرمایه‌گذاری را در واحدهایی انجام دهند که در سطح نازلی از نظر هزینه‌های نمایندگی قرار داشته باشند؛ زیرا به تبع این امر؛ در اینگونه واحدها، اجتناب مالیاتی نقدی در سطح نازلی خواهد بود.
- \* به مراجع استانداردگذاری سازمان بورس پیشنهاد می‌گردد که به تدوین دستورالعمل‌ها و الزامات لازم در جهت سنجش صحیح اجتناب مالیاتی نقدی اقدام ورزند.

#### پیشنهادات کاربردی حاصل از آزمون فرضیه دوم

- \* به مدیران واحدهای تجاری پیشنهاد می‌گردد که از طریق کاهش هزینه‌های نمایندگی؛ موجبات کاهش اجتناب مالیاتی تعهدی واحدهای تجاری تحت کنترل خود را فراهم آورند.
- \* به سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌گردد که واحدهای هدف سرمایه‌گذاری را بر اساس هزینه‌های نمایندگی آنان رتبه‌بندی نموده و انجام فعالیت‌های سرمایه‌گذاری را در واحدهایی انجام دهند که در سطح نازلی از نظر هزینه‌های نمایندگی قرار داشته باشند؛ زیرا به تبع این امر؛ در اینگونه واحدها، اجتناب مالیاتی تعهدی در سطح نازلی خواهد بود.
- \* به مراجع استانداردگذاری سازمان بورس پیشنهاد می‌گردد که به تدوین دستورالعمل‌ها و الزامات لازم در جهت سنجش صحیح اجتناب مالیاتی تعهدی اقدام ورزند.

## پیشنهادات برای پژوهش‌های آتی

- بررسی تأثیر مالکیت دولتی بر رابطه میان هزینه‌های نمایندگی و برنامه‌ریزی مالیاتی در شرکت‌های فرابورسی.
- بررسی تأثیر مالکیت دولتی بر رابطه میان هزینه‌های نمایندگی و برنامه‌ریزی مالیاتی در صنایع مختلف.
- بررسی تأثیر مالکیت دولتی بر رابطه میان هزینه‌های نمایندگی و برنامه‌ریزی مالیاتی در مراحل مختلف چرخه حیات شرکتها.
- بررسی تأثیر مالکیت دولتی بر رابطه میان هزینه‌های نمایندگی و برنامه‌ریزی مالیاتی در زمان بروز بحران‌های مالی.

## منابع و مأخذ

- آریان مهر، عباس. (۱۳۹۵). تأثیر مالکیت نهادی بر سود تقسیمی بر پایه یک تحلیل از تئوری نمایندگی. پایان نامه کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه پیام نور استان هرمزگان، مرکز پیام نور قشم.
- جلالی کندلوسی، هوشیار. (۱۳۹۷). بررسی ارتباط بین ترکیب سهامداران و هزینه نمایندگی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد مدیریت مالی، موسسه آموزش عالی حکیم جرجانی.
- حاجیان‌نژاد، امین، دانش سرارودی، سید رسول. (۱۳۹۸). بررسی تأثیر هزینه نمایندگی و نقدشوندگی بر اجتناب مالیاتی از طریق سودآوری. مجله علمی دانش حسابرسی. مقاله ۵، دوره ۱۰، شماره ۱ - شماره پیاپی ۳۶، بهار ۱۳۹۸، صفحه ۱۱۵-۱۳۶.
- خواجوی، شکراله، سروستانی، امیر. (۱۳۹۶). اجتناب مالیاتی و نظریه نمایندگی: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران. مجله حسابداری مدیریت، دوره ۱۰، شماره ۳۴، پاییز ۱۳۹۶.
- شعبان‌نژاد، آتنا. (۱۳۹۶). تأثیر جریان نقدی آزاد، تمرکز سهامداران و هزینه نمایندگی بر سودآوری شرکت‌های بیمه‌ای: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد حسابداری، موسسه آموزش عالی سارویه.
- علوی فردانبه، وحید. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر مالکیت نهادی و هزینه نمایندگی بر سیاست تقسیم سود در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه علامه محدث نوری، دانشکده اقتصاد و علوم اداری.
- معنوی، عزالدین. (۱۳۹۹). بررسی تأثیر هزینه نمایندگی بر رابطه بین مالکیت دولتی و اجتناب مالیاتی. پیشنهاد کارشناسی ارشد، موسسه آموزش عالی کوشیار، گروه مدیریت.
- Bradshaw, Mark, Guanmin Liao, Mark (Shuai) Ma. (2019). Agency costs and tax planning when the government is a major Shareholder. *Journal of Accounting and Economics* 67 (2019) 255-277.
- He, X., Eden, L., Hitt, M.A. (2016). The renaissance of state-owned multinationals. *Thunderbird Int. Bus. Rev.* 58 (2), 117-129.
- Khan, M., Srinivasan, S., Tan, L. (2017). Institutional ownership and corporate tax avoidance: New evidence. *Account. Rev.* 92 (2), 101-122.
- Schapiro, M.G., 2014. Combining development and democracy in state financial institutions: Delegation, accountability, and implications for the Brazilian case. FGV Law School working paper.